

چرا سازمان همکاری اسلامی به اتحادیه جهان اسلام تبدیل نشد؟



سازمان همکاری اسلامی از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۶۹، مهم‌ترین چارچوب رسمی همکاری میان دولت‌های مسلمان به شمار آمده است. این سازمان که در واکنش به آش‌سوزی مسجدالاقصی و با هدف دفاع از مقدسات اسلامی، حمایت از ملت فلسطین و تقویت همبستگی میان کشورهای مسلمان شکل گرفت، قرار بود به بستری برای تبدیل ظرفیت‌های پراکنده جهان اسلام به قدرتی منسجم در عرصه بین‌المللی تبدیل شود. با این حال، پس از گذشت بیش از پنج دهه، این پرسش همچنان مطرح است که چرا سازمان همکاری اسلامی نتوانسته به یک «اتحادیه جهان اسلام» با قدرت اثرگذاری سیاسی، اقتصادی و امنیتی تبدیل شود و در بحران‌هایی مانند فلسطین و غزه نقشی تعیین‌کننده ایفا کند؟

بررسی عملکرد این سازمان نشان می‌دهد که مهم‌ترین مانع در مسیر تحقق اهداف آن، فقدان اراده جمعی و همگرایی راهبردی میان اعضاست. سازمان همکاری اسلامی با ۵۷ عضو، از نظر جمعیتی و جغرافیایی یکی از بزرگ‌ترین نهادهای بین‌المللی جهان محسوب می‌شود؛ اما تنوع گسترده سیاسی، ایدئولوژیک، قومی و اقتصادی میان اعضا، دستیابی به اجماع را دشوار کرده است. در بسیاری از موارد، منافع ملی دولت‌ها بر منافع مشترک امت اسلامی ترجیح داده شده و همین مسئله موجب شده است که سازمان بیش از آنکه یک

نهاد تصمیم‌ساز باشد، به محلی برای صدور بیانیه‌های سیاسی تبدیل شود.

رقابت قدرت‌های منطقه‌ای نیز یکی دیگر از عوامل تضعیف‌کننده این نهاد بوده است. اختلافات و رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان برخی کشورهای تأثیرگذار اسلامی، بارها مانع شکل‌گیری مواضع مشترک در قبال مسائل مهم جهان اسلام شده است. در چنین شرایطی، پرونده فلسطین که باید محور وحدت کشورهای اسلامی باشد، گاه تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و رقابت‌های منطقه‌ای قرار گرفته و از ظرفیت وحدت‌آفرین خود فاصله گرفته است.

عامل مهم دیگر، وابستگی بخشی از کشورهای اسلامی به ساختار قدرت جهانی است. بسیاری از اعضای سازمان همکاری اسلامی در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و نظامی به قدرت‌های غربی وابستگی دارند و همین مسئله دامنه تحرکات مستقل آنان را محدود می‌کند. تجربه جنگ غزه به‌خوبی نشان داد که علی‌رغم محکومیت‌های گسترده، جهان اسلام نتوانست از ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی خود برای اعمال فشار مؤثر بر حامیان رژیم صهیونیستی استفاده کند. در حالی که کشورهای اسلامی بخش مهمی از منابع انرژی، بازار مصرف و موقعیت‌های راهبردی جهان را در اختیار دارند، این ظرفیت عظیم هنوز به ابزار قدرت جمعی تبدیل نشده است.

یکی از ضعف‌های ساختاری سازمان همکاری اسلامی نیز به ماهیت تصمیمات آن بازمی‌گردد. برخلاف برخی اتحادیه‌های منطقه‌ای که دارای سازوکارهای اجرایی و ضمانت‌های الزام‌آور هستند، مصوبات سازمان همکاری اسلامی عمدتاً جنبه توصیه‌ای دارند. در نتیجه، دولت‌های عضو در صورت تعارض تصمیمات سازمان با منافع ملی خود، الزامی برای اجرای آنها احساس نمی‌کنند. همین مسئله موجب شده است که بسیاری از قطعنامه‌ها و مصوبات مرتبط با فلسطین، تحریم رژیم صهیونیستی یا حمایت از ملت‌های مسلمان، در سطح بیانیه باقی بماند.

با این وجود، ارزیابی منصفانه عملکرد سازمان همکاری اسلامی مستلزم توجه به ظرفیت‌ها و دستاوردهای آن نیز هست. این سازمان طی دهه‌های گذشته توانسته مسئله فلسطین را به یکی از مهم‌ترین موضوعات جهان اسلام و حتی جامعه بین‌المللی تبدیل کند. حمایت از ابتکارات حقوقی در مجامع بین‌المللی، پشتیبانی از حقوق ملت فلسطین، ایجاد نهادهای اقتصادی و توسعه‌ای و همچنین هماهنگی در برخی اقدامات بشردوستانه، از جمله ظرفیت‌هایی است که نشان می‌دهد سازمان همکاری اسلامی صرفاً یک نهاد تشریفاتی نیست، بلکه از قابلیت‌های مهمی برای تأثیرگذاری برخوردار است.

آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری ضروری به نظر می‌رسد، عبور از مرحله همبستگی نمادین و حرکت به سمت همکاری عملی است. جهان اسلام برای ایفای نقش مؤثر در تحولات بین‌المللی نیازمند سازوکارهای مشترک اقتصادی، رسانه‌ای، حقوقی و حتی امنیتی است. ایجاد نظام تحریم‌های هماهنگ علیه رژیم صهیونیستی، حمایت سازمان‌یافته از پرونده‌های حقوقی مرتبط با جنایات جنگی، تقویت همکاری‌های اقتصادی درون‌اسلامی و کاهش وابستگی به ساختارهای قدرت خارجی، می‌تواند بخشی از این مسیر باشد.

واقعیت آن است که چالش اصلی سازمان همکاری اسلامی کمبود ظرفیت نیست؛ بلکه فقدان اراده سیاسی برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌هاست. اگر کشورهای اسلامی بتوانند منافع راهبردی مشترک را بر اختلافات مقطعی ترجیح دهند، سازمان همکاری اسلامی این قابلیت را خواهد داشت که از یک نهاد مشورتی به یک بازیگر مؤثر در نظام بین‌الملل تبدیل شود. در غیر این صورت، فاصله میان آرمان «وحدت امت اسلامی» و واقعیت‌های سیاسی جهان اسلام همچنان پابرجا خواهد ماند و سازمان همکاری اسلامی بیش از آنکه نماد قدرت جمعی مسلمانان باشد، به تریبونی برای اعلام مواضع و صدور بیانیه‌ها محدود خواهد شد.

امروز بحران فلسطین و به‌ویژه فجایع انسانی غزه، آزمونی تاریخی برای سازمان همکاری اسلامی است؛ آزمونی که نتیجه آن نه تنها آینده این سازمان، بلکه میزان توانایی جهان اسلام در تبدیل سرمایه عظیم جمعیتی، اقتصادی و فرهنگی خود به قدرتی مؤثر و تمدن‌ساز را نیز مشخص خواهد کرد.